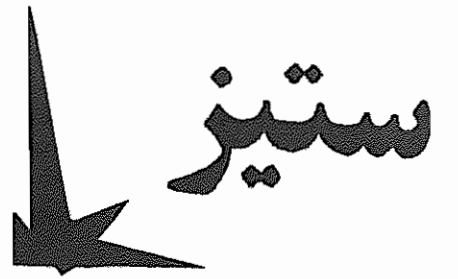


# لوفان

بنگانه شادان تنی تیزی  
شهیدان آزادی



## ستیز

پس از قرارداد کاپیتولاسیون بین حکومت شاه و آمریکا و کلمه نظامی آمریکا بایران اکنون دوباره شاه ۶۰۰ میلیون دلار از آمریکا برای خرید وسایل نظامی و مواد جنگی آمریکایی میگیرد .

این برای ملت ایران که ماهیت این رژیم استعماری را می شناسند جای تعجبی ندارد . و حقا هم جای عجبی نیست کلاه سبک این رفاه طلبان آمریکایی و ارتجاع - بار دیگر برای اربابان خود خوش رقصی کند . در حقیقت اینگونه وابستگیها خود فروشیها و زیر پا گذاشتن منافع خلق چهره واقعی و آرایشها و گرایشهای درونی سیستم و دستگاه حاکم بر جامعه ما را آشکار میسازد . از این نوعت هیاهوی جدیدی کبر سر پیش نهاد جهان نشاء صالح رئیس تحمیلی دانشگاه مبنی بر خدمت نظام دانشجویان قبل از شروع به تحصیل براه افتاده است . محتوی این پیشنهاد منحرف ساختن مسیر رشد نیروهای انقلابی دانشجویی کشور ، تضعیف سنگر دانشگاه ، تحمیل سیستمی نظامی شاهنشاه آریامهری " بر جوانان ملکت ما و در نتیجه کشاندن هر چه بیشتر جامعه ما و تمام مظاهر توده های و ارزنده آن بدامن ارتجاع و امپریالیسم آمریکا است .

اینگونه تلاشها بخودی خود بوجود نیامده اند . تمام این خنثی سازها و دستهای دستگاه حاکم - که در مجموع نایبده خصلت و ماهیت دستگاه است - هر يك بتنهائی پاسخ و انعکاس مقاومت پر خور و مبارزه خلق است که بطرق مختلف صورت گرفته و میگیرد .

دستگاه حکومت شاه تنها بخاطر تغفن و یا شادی خاطر اعلیحضرت نیست که پیشنهاد خدمت نظام قبل از آغاز به تحصیل را میدهد و چهارده تن روشنفکران مبارز و ارزنده بی ملت را بمحاکمه کشیده حکم اعدام صادر میکند و یا مبارزان دیگر نهضت ملی را بساها هالها میکشاند . این تلاشها خود معلول جنون و خروش انقلابی و پیگرای ملت ماست . اگر رهبران احزاب و دستجات ملی را بزند ان کشیده یا بدین مورد اتهام مخفیانه محاکمه میکند و اگر خمینی مرد مبارز را بدین حکم دادگاه از ایران اخراج میکند ، همه بسبب مقاومت ، ایستادگی و نبرد بی امانیست که در برابر حکومت زور و شکنجه این دستگاه انجام گرفته است . در حقیقت و در حالت کلی دستگاه از منافع خود و امپریالیسم که اکنون در خطر افتاده با منافع خلق کلا در تضاد است دفاع میکند . وی مجبور . . . . .

بقیه در صفحه ۳

## ۱۶ آذر

## چریکهای

# ویتنام

امپریالیسم آمریکا را سرانجام بزانو میآورد

ویتنام سرزمین پیگار مقدس خلقی است که بانبرد بی امان خود - یثنه تنها ارزش و قدرت توده های جامعه خویش و بطور کلی توده های خلق های جهان را نمودار میسازد ، بلکه بمراتب پیشتر بر آموزش انقلابی بشر صحنه گذارده به پرورش مرفرفنا اجتماعی وی و جهش یابی مشخص نیروهای جامعه کنونی جهان سرعت میدهد . ویتنام آنچه آن که هست و با تمام جهتها و جوانب پیکار آن میباشد مشبی است که برای تمام رزمندگان راه آزادی و دموکراسی آمو - زتهای بس گرانبها ببار آورده است . بدینجهت غلط است اگر پیکار خلق ویتنام بر علیه استعمار و استثمار تنها محدود به ویتنام و آمریکا کرد . جنگ ویتنام بحرورد نیروهای است که هیچکدام از آنها جدا و مجزا از نیروهای دیگر که در این جنگ شرکت مستقیم ندارند . نبوده بدون تاثیر بر آنها نیستند . بلی از مشخصات عمده این پیگار نشان دادن چهره های سیا - ستها و نیروهای مختلف و مشخص کردن ماهیت آنهاست . بحسب آن دیگر جنگ ویتنام حقایق و واقعات را روشتر ساخت و توده های عظیم ملت های جهانرا بر ضد آمریکا تهییج و بسیج کرد و در سطح بالاتری توانائی های عینی و ارزشهای بالفعل موجود جهانرا بحک تجربه آورد .

پس از قرارداد ژنو ۱۹۵۴ و زیر پا گذاشتن این قرارداد توسط حکومت آمریکا و ملت ویتنام مستقیما رود روی آمریکا و ارتش سررا پا مجهز و مدرن وی قرار گرفت . ویت گنگ ارتش آزاد بخلق ویتنام که رهبری نظامی این جنگ را بعهده داشت ، در اینجا بشابه اهرم خلق در برابر نیروی استعمار ظاهر شد . پیشروی نیروهای ویتنگ آزاد کردن شهرها . . . . . بقیه در صفحه ۳

تاریخ مبارزات قهرمانانه مردم ایران فراموش نشدنی است . سنت های پرارچی در تاریخ ملتانراست که زینت بخش صفحات رنگین آن است . صفاتی که از خون کلگون هزاران نفر از هم میهنان بیروجهوان ، زن و مرد ، نازکرو و هقان ، محصل و دانشجو ، معلم استاد نقش بسته است . حوادث تاریخ همیشه بانسب و فزاینده شکست و پیروزی توأم بوده است . سلاطین مرتجع و حکومت های مستبد همیشه در برابر تاریخ محکومند . واستقرار سلطه حکمفرمای آنان در برابر قدرت عظیم خلقها نایبده خواهد بود .

مبارزات شمرحش و بیگروند استعماری مردم رساله های ۲۸ - ۳۲ علیه ارتجاع امپریالیسم نشان داد که اتحاد طبقه قشرها و عناصر مدنی نازکران ، دهقانان ، روشنفکران در تحت شعار واحد میتوا بهترین ضامن پیروزی ملت باشد . دیکر تنهاد و رانگان خانها موش و فشانرا بیدار ستکاداداری حکومت های قلی جهت سرکشی جنبشها قاد نبودند بزور سرنیزه ، توپ ، تانک و محبس شکنجه صدها راحفه کتند همه جاز نازکرو و هقان و کسبه گرفته تا روشنفکران جامعه ما از ظلم و فساد هیئت حاکمه در راس آن خاندان پهلوی آگاهی داشتند . مسبب اینهمه نابسامانی ، فقر و تنگدستی وسیع روزی را تنهاد منافع امپریالیستیهای امریکائی وانگلیسی و عمال آنها یعنی در بارمید بدند . منافع شاه و امپریالیستها در حشر جردی بود . زنجیر های اسارت بند کی یکی پس از دیگری پار میشدند بزرگترین منبع درآمد آنها نفت و کدشته از یادات دیکری که سالیانه بالغ بر ملیونها تومان بود ، بجنب شاه و اربابان سرساز میشد . زمان آن رسیده بود که فریاد توده ها و خشم حورشان آنها فضای چهار دیواری را شکسته و در حار آن حقیقت افکار عمومی مردم جهان را بحود محظوفد اورد بدینجهت شاه در صد توسط محمد پدی برآمد .

کودتای ناهبجام شاه در ۲۵ مرداد ۳۲ بار دیگر هبستگی مردم را در برابر زعمای ارتجاع داخلی و خارجی تقویت بخشید . مبارزات ضد استعماری مردم در جریان نهفتند در این زمان آنچه ن زمینه مساعدی فراهم آورده بود که میتوانست بیل زلفار شاه مبارزات مردم را بمرسبساند . متاسفانه بعلت عدم بند رهبری صحیح و اندام لاریهای زیاد از این فرصت مناسب استفاده نشد . . . . . بقیه در صفحه ۳

برای ایران یا برای آقای دیوید راگنر ؟

## پترو شیمی

چند سالی است که رژیم فاسد و ناتوان شاه در امر ترفیخواهی تازه ای میزند و با عوامفریبی هر چه بیشتر نغمه ای ایجاد صنعت پترو شیمی راهم همراه با ساز و دل زوب آهن سرداده است و البته از تصور روزنامه های جیره ای و عاملین دستگاه دولت شاه فکرو دستور العمل برای چگونگی ایجاد این صنعت و ترتیب تکامل و توسعه ای آن و خلاصه هر چه که بانام پتروشیمی کوچکترین ارتباطی دارد فقط و فقط از شخص شخیص " آریامهر " این نایبده و غلامی د دنیای قرن بیستم سرچشمه میکیرد و باو تعلق دارد . البته این نظر خود ایشان نیز میباشد . شاه در یکی از سفر های خود به آمریکا ضمن صحبت با بعضی از فارغ التحصیلان ایرانی و در حضور چند فارغ التحصیل پترو شیمی ادعای تخصص حاضر در امر ایجاد این صنعت میکند و میگوید " ما در ایران صنعت پتروشیمی کامل میکنیم و عقیده من باید بیشتر از نظریه تولید کاتالیزه " استفاده کرد و ما موقع خود دستور لازم را صادر خواهیم کرد .

از این تملمنری " های شاهانه مردم بحوسی آگاه هستند و میدانند که این مظاهر فریاد چگونگی قبل از مبارزه بدانرا خانه ای و یا شرکت در جمع منحصصائی چند جمله چند موضوع و چندین کلمه ای را که برایش تهیه کرده اند حفظ میکند تا خود را مطلع جلوه دهد ولی دستوریکم رمورد صنعت پتروشیمی صادر کرده است . بالاخره پراز اینهمه تبلیغ و عوامفریبی تفویض درست این صنعت استبه سرمایه داران آمریکا ! در واقع این دستور ایست که اربابان امریکائی باو داده اند و کوفواد ارجزاجرا " اوامر کاری نمیکند . دستگاه حکومتی شاه چون هر دستگاه مسلط دیگر جز در حفظ تسلط خویش و تقویت نیروی زور خود کاری نمیکند . در هر موقعیت معین سعی دستگاه بجهت تأمین حد اکثر منافع ممکن در حفظ و تقویت موجودیت خود متوجه است .

این قانون و قانون کار دستگاه است و در مورد پتروشیمی نیز جز این نیست و در اینجا استثنا وجود ندارد . اگر شاه در تبلیغ تولید صنایع مادر پتروشیمی ، بانیهوهای شرقی اجتماع مامسابقه میکند ، دلیل دیکری ندارد . . . . .

بقیه در صفحه ۴

برای استقرار حکومت ملی و دموکراتیک متحد شوید!

# اتحاد مبارزه پیروزی

دانشجویان مبارز!  
روزندگان دلیر خارج از وطن!

مبارزات درحضان و گسترده شما که از سادترین اعتراضات و روشنگری اذهان جهان شروع شد و ناخصاص غداي دلیرانه و جهانگیر شما ادامه یافت پرنیروی دشمن که خود را عملاً در برابر قاطع و دنیاگیر شما درمانده دید ضربت موشی زد . شما در این مبارزه نیروی خود را در برابر قدرت سیاسی و نظامی حکومت شاه نشان دادید . شما نشان دادید که آریا مهر و قوه های شیرین " عدالت اجتماعی " " آزادی زنان و مردان " و " سرزمین سوسیالیست تر از سوسیالیست ترین کشورها " یی همه افسانه های دل خوش گسی است . شما ماهیت ضد دیکتاتیک، آزادی کش و مردم فریبی وی را هرچه بیشتر بر ملا ساختید . اما مبارزه شما هنوز ادامه دارد . دوستان آزاده و بی گناه شما همچنان در بندند . محکمه تجدید نظر با همان دادستان همسان قضات با همان کیفیت سری و بدون حضور هیات منصفه در تاریخ شنبه ۲۹ آبان بدون نظر داشت اعتراضات محافل قضائی ، سیاسی و علمی جهان در مورد صلاحیت آن آغاز کردید . در این محکمه قلابی که قانون اساسی را در مورد محاکمه منجمان سیاسی در دادگاه غیر نظامی و آزاد زیر پا گذاشته ، اعتراض وکلای مدافع در باره عدم صلاحیت دادگاه نیز بدون ارائه دلیل و رسیدگی به آن رد شد . برای این دادگاه حکم نهائی است و سرنوشته فرزندان قهرمان ملت ، روشنفکران مبارز ببندد . کشید و راه تعیین میشود . در اینجا مبارزه قاطع همه جانبه ، گسترده و پیگیر شما آخرین ضربه شکننده شما بسنگر دشمن است که پیروزی نهائی شما را در این مبارزه قهرمانانه و ستودنی تضمین میکند . هر گونه تخفیفی که در محکومیت دوستان شما داده شود بمثابة پیروزی شما و عقب نشینی حکومت پوسیده استم از برابر نیروی شماست . و در بدایت گلی تو هر گونه محکومیتی از طرف محکمه شاه بمثابة ترس وی و استعمار گریه از نیروی خروشان ملت و کواهی بر کاذب بودن ادعای " ملت دوستی " دانش پیروزی و آزاد یخواهی " شاه و دستگاه ضد خلق اوست .

## کنگره کفشد را سیون

کنگره سالیانه کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی اواخر دسامبر در یکی از شهرهای آلمان غربی برگزار خواهد شد . این کنگره در زمانی برگزار میشود که عد های آروزشنگران مبارز لغضای سابق کنگره راسیون وفد راسیون انگلستان در بند شاه و مورد حمله کثیفه توزان حکومت هستند . زمانی که دستگاه حکومت شاه با تمام قوا شرمند حمله و ضربت پرنهضت و دانشجویی و سرکوب مبارزات در رخشان آن - چه در داخل و چه در خارج کشور میباشد . امید است که شرکت کنندگان در این کنگره چه رهرو اقمی حکومت و ماهیت ضد فرهنگی آن را هرچه بیشتر آشکار کرده و سببه های سازمان امنیت و دستگاه پلیسی ضد ملی حکومت شاه را حاشی نماید . ما موفقیت این کنگره را در ریشبرد همد فبا و خواسته های صنفی و ملی آن تحت شعار " اتحاد مبارزه پیروزی " آرزو مندیم .



۱۶ آذر ... بقیه از صفحه ۱

امپریالیست ها با طر منافع از دست رفتن استفاده از همان موقعیت دولت قانونی در کمر وید و راسا قظ کردند . هیئت حاکمه با توسل به قهر و ظلمه قانون شکنی هر گونه آزادی بیاد فردی و اجتماعی را که ساخته احزاب و سازمان های سیاسی سند نامعنا و غیر معتاد کشور در محاق فراموشی سپرده شد . رژیم پلیسی و احساق در همه جا سایه افکنده ، شنا ر شدید مردم بیگانه و آزاد یخواهان بنحو وحشیانه ای آغاز کردید و هر اعتراضی به ضرب باتوم و سرنیزه و کلوله های آنتنین پاسخ داده شد .

دانشگاه مرکز علم و دانش بعلت موقعیت خاص خود تحت نظارت و مسلح و پلیس قرار گرفت . دانشجویان دانشگاه تهران که در نتیجه مبارزات بیکر حود در جریان رشد نهضت آید ید شده بودند ، برجم مبارزه را همچنان برافراشته نگه داشته بارد یگر

علیه انحال نظامی محیط دانشگاه توسط پلیس شاه دست با اعتراض زدند . در نتیجه چون بحتیار که انعکاس دهند دستمقیم تما یلات شمع محمد رضا شاه بود دستور حمله باین مکان مقتضای علی را داد . یکی از اجنایات فجیع بوجوب بیوست .

۱۶ آذر ۱۳۳۲ سه تن از فرزندان غیر روسو کنکورده " قدحی مصطفی بزرگ نیا " شریعت رضوی " توسط پلیس شاه بچوب : غلبه شد و علاوه بر آن تعدادی مجروح گردیدند .

بخاطر تخلیه دانشگاه از وجود نیروهای مسلح پلیس اعتراض میشود و بارگیا رکولف باسخ داده شد . باین جنایت که بدستور مستقیم شاه برای تحکیم پایه های لوزان سلطنت روح دادند ننگی بود هبریشانی ای برای همیشه نقریست .

به افراد و مزدوران نسامی مسببین این قتل غم انگیز قدر دانی و تشکر میشود . باین نیز خود یکی از نظا هر د لخر اش آن انجباط تاسف انگیزی است که در دستگاه ارتش ایران حشفرماست باین بخشنامه لشکر ۲ زرهی که در زیر فرمان بحتیار است توجه کنید !

" از لشکر ۲ زرهی "

ستاد رکن ۲

شماره ۲۱۲۱ تاریخ ۲۰ / ۱ / ۳۲ حطلی فوری - تبرک شیه واحد حامد و افتر با نمافرتش :

در باره تشویق اسمران و درجه داران و اهراد دسته جانباز بخرومده : در ارتج بدیت و فعالیتی که از اسمران و درجه داران و سربازان دسته جانباز در ما موریت دانشگاه تهران در روز دوشنبه ۱۶ ماه جاری مشاهده کردید گروهی از جانبازان مربوطه کتبه به دریافت یاداشتن نقدی متفخر و ضمنا از تاریخ ۱۶ / ۱ / ۳۲

سه نفر از درجه داران مصرحه زیر ..... بقیه در صفحه ۳

**پیمان**  
سر سخت منم نزد تساوی عنصرست  
دیروز در این بساط اگر بیک کل بود  
هرگز نشود شکسته پیمان در  
امروز نگر نازه کلی هر جا رست  
محمد پرستش

پتروشیمی ... بقیه از صفحه ۱

باین حساب بانکی " بنیاد پهلوی " از طرفی شرکت " ملی " نفت ایران بتاريخ ۱۲ فوریه ۱۹۶۲ یعنی یک هفته پس از پرداخت مبلغ فوق آتای راه قدر مبلغ ۱۲ ملیون دلار گذاشته شده است . و این اشلاد در ارتباط با قضیه ی حیرجان در جمله نیشن شماره ۱۲ آوریل ۱۹۶۵ در خارج از کشور منتشر شده است ( توهمان شماره ۷ )  
چنانچه میبینید ، ریزد حکومت شاه را نتایج خرابی ، از کابینت و فنی بین صنعت نفت میهن ما و صنایع پتروشیمی فقط هتلام تقسیم منافع و چپاول ارزشها برقرار است . صنعت نفت ما باید به " بنیاد پهلوی " پول بپردازد تا این قانون بنیاد برانداخته شود .  
به جیب لسانی چون آقای راهظر آمریائی پول سرازیر شده تا این سرمایه در چپاولگر برای ایران بقول حکومت شاه " سرمایه گذاری " کند و صنعت پتروشیمی را تاسیس کند و بالاخره شاه و دستیاران او عوام فریبی و تظاهر به ترفیع واهی کنند !  
این ایران نیست که صاحب صنعت پتروشیمی میشود بینه این آقایان دیوید راهظر و سرمایه داری آمریکا است که بر پیش از صنایع حیاتی مادی و انسانی میهن ما بچده میافزند . اثر ناراحتانه لاستیک سازی کودری فقط بچاظر سود موجهه بیشتر و آمد هتنگت بران آقایان راهظر از تولید لاستیک های محکوم و ضعیف سرمایه میزند و حکومت شاه رضای خاطر سرمایه داران آمریکا را بر جان صد هماغه مردمی که در اثر ترکیدن لاستیک های اتومبیل های سوار و اتومبیل های باران زمین رفته اند ترجیح میدهد ، در مورد ایجاد صنایع پتروشیمی بچرات میتوان گفت که عواقب این اقدام صرفنتر از سلطه موجهه بیشتر استعمار آمریکا فلا شبارت خواهد بود و فرد است که امپریالیسم خونخوار آمریکا از صنایع نفت ما با ارزترین قیمت با این صنعت بیمه های ناخال و گازهای جنگی بسازد .  
از صنعت پتروشیمی که پس از نفت و آهن و در بسیاری موارد حتی در جوار و آب آن صنایع پایه ای و معزله خون در ریکر اقتصاد یک جامعه است ، بدست حکومت ضد ملی و موندوار شاه به خدمت سرمایه داری نوین و امپریالیسم که آمده خواهد شد .  
مبارزات سخت تود های ایران و عوامخواهان ترمی و تبلیجی میهن مایه لزوم احداث صنایع و بایبای اعتقاد عمیق دارند و بدینجهت است که علیه رژیم فاسد ارتجاعی و آزادی نس و ناتوان شاه نبرد میکنند ، تا باین مانع برود از اسراره توسل اقتصادی و تکامل اجتماعی حویتر بکار اندازند .

چرا اینکه او در این موقعیت معین منافع خود را در این کار می بیند . با این عوام فریبی او در واقع کار ایجاد این صنعت را بشکل صحیح و مفید و بدست ملت معقب میاندازد . او واریابان سرمایه دار آمریکائی او دل نمیکنند که شرایط مادی و انسانی ایجاد این صنعت کم و بیش در ایران و در بسیاری از کشورهای جهان همزمان با توسعه صنایع جهان و گذار از مراحل ابتدائی تولید به مراحل عالیتر و افزایش بخشهای صنعتی نوین در تولید فراهم شده است و زمان شکست انحصارهای برخی از رشته های صنعتی فرارسیده است . بعنوان مثال صنایع ذوب آهن و پتروشیمی را نمی توان بیکر در انحصار نگاه داشت همانطور که مدت ها پس از زمان انحصار تولید نفت و شکر در ایران و بسیاری از کشورهای سیرسیری شده است . بنا بر این منافع کلی دستگاه و سرمایه داران در این است که باین ضرورت تاریخی را منحرف سازند و در حالیکه ظاهرا عوام فریبانه اقدام به ایجاد واحد های تولیدی " ملی " میکنند ، در باطن سرمایه های خود را بر این صنایع مسلط کنند . در مورد ایجاد صنایع پتروشیمی در ایران تصور اول را سرمایه آمریکا بازی میکند و نظوریکه این اواخر حیران از اینجا و آنجا در ز کرده است آقای دیوید راهظر سرمایه دار بزرگ انحصارات آمریکا تقریبا همه کاره خواهد بود .  
این آقای دیوید راهظر راهمه خوب می شناسیم . قسمت اعصار سرمایه تاسیس در ناحیه آمریکائی کودریج در ایران متعلق به ایشان است و از آنجا که انحصار ورود مواد اولیه و تولید لاستیک در ایران در اختیار این دارخانه است همه منافع سالی ۳۰ تا ۳۵ هزار لاستیک اتومبیل های سواری تاباری بچیب ایشان و سرمایه داری آمریکا میروند . علاوه بر این از آنجا که سیاست دولت آمریکا را همین سرمایه داران بزرگ و قدرتمند اقتصادی استعمارگرو استعمارگر معین میکنند و از آنجا که دارد لالی بیارتی بازیهای سیاسی نیز در دست همین افراد شمرکز میانه صلاح و نیاز در این بوده است که " شاهنشاه آریا مهر " - البت بمنظور توسعه ی صنایع کشور و شاید ایجاد بدمدی صنعت پتروشیمی است تاریخ بچم فوریه ۱۹۶۲ مبلغ ۲ ملیون دلار از حساب بانکی " بنیاد پهلوی " در بانک یونیون سوئیس - ژنو بحساب آقای دیوید راهظر بریزند .

۱۶ آذر . . . . . بقیه از صفحه ۲

چریکهای ویتنام . . . . . بقیه از صفحه ۱

۰۰۰ دستمزدور بد رجه گروهیان

دومی و چهار نفر سرآزان زیرین رجه سرجوخگی وظیفه -  
مفخره میشوند . فرماندهان مراتب رابگلیه افسران و رجه داران  
وسریازان کوشند و بند کرد هندی همواره خدمات وجدیت و  
فعالیت افسران و رجه داران وسریازان منظور نظر بود و  
بموقع تشویق خواهند شد . بکارگزینی رکن یکم ستاد دستور  
داد شد برای رجه در دستور لشکری و انحصار روی پرونده  
خدمتی افسران و رجه داران وسریازان مزبور اقدامات لازم  
را معمول و نتیجه را ابلاغ نمایند

رئیس ستاد لشکر ۲ زرهی مرکز سرهنگ ستاد علمید محمد روحانی  
رئیس رکن دو ستاد لشکر ۲ زرهی مرکز سرگرد توحید علی غفور  
۱ - ستوان یک ستاد سلیمان - تشویق در دستور لشکری  
۲ - گروهیان فضل الهه برجی ۳۰۰ ریال پاداش نقدی (در رجه  
گروهیان دومی)

- ۳ - گروهیان محمد علی حاجی پور ۳۰۰ ریال
  - ۴ - گروهیان محمد علی عزیزی ۲۵۰ ریال پاداش نقدی
  - ۵ - ستوار غلامعلی گویانی ۲۵۰ ریال
  - ۶ - گروهیان یکم علی خداندادی ۲۵۰ ریال پاداش نقدی
  - ۷ - گروهیان ۳ سرمدعلی بهرامی ۲۵۰
  - ۸ - گروهیان ۳ بهرام ایمانی ۲۵۰ ریال
  - ۹ - " " " " " " " " " " " "
  - ۱۰ - " " " " " " " " " " " "
  - ۱۱ - " " " " " " " " " " " "
  - ۱۲ - گروهیان ۲ بیوک منصوری ۲۵۰ ریال پاداش
  - ۱۳ - سریاز وظیفه فرج غلامعلی ۱۰۰ ریال
  - ۱۴ - سریاز وظیفه عباسعلی سلطانی رجه سرجوخگی
  - ۱۵ - سریاز وظیفه اسماعیل نادری
  - ۱۶ - سریاز وظیفه احمد کریمی
- گیرندگان : پادگان بی سیم و حشویه ، خدمات ناحیه کندی  
هنگ تعلیماتی ، گردان ۱۰۵ ، گردان ۱۱ ، ۳۶۱ مژوری ،  
مهندسی ، مخابرات جمع آوری ، شناسائی ، بهداری و دستمزدیک  
آزمشگاه گروهیانی ، توخانه ستاد تخصصی ، مژوری زرهی ، فراگاه  
و دیوانی و رکن ۴۳۴۱

این بخشنامه نشانجانیات آنچنان دستگاه فاسد و چهارگانه است  
که سعی دارد ارتش را بسوی انحطاط کشانده با سرکوب و در  
هم پاشیدن اصول اخلاق آنرا تحت سلطه دستگاه غیرانسانی  
هویا ولگر حویش بیآورد .

بن تشویق نامه نمودار آن تلاش است تا ارتش را که وظیفه  
اصلی و اساسی مفهوم واقعی دفاع از حقوق مردم و حفظ و  
حراست استقلال و تمامیت ارضی در کشور است بر ای آرمکی  
ترور و سرکوب جنبش آزاد بیخشم مردم تثبیت کند و بمنزله آلتی  
در دست امپریالیسم آمریکا و استعمار بکار رود .

احساسی که از خواندن این تشویق نامه بانسان دستمیدهد  
شوربست آمیخته با تناسف و ناله شوربست که آتش میاره راد و  
وجود هر انسان آزاده و شرافتمندی شعلهور میکشد باونوری  
نبرد میکشد تا آنرا در مبارزه جهت سرنگونی رژیم ضد بشری  
و جهل پیروزی مانند رژیم شامیکار برد تناسف و ناله بخاطر  
آنچنان فقر مادی و معنوی کسانی است که بخاطر دریافت پاداشی  
برابر ۲۵۰ ریال دست خود را بچنین جنایت ننگینی آورده  
میکند فقر و جلی که ریشه آنرا باز باید در وجود رژیم راجعی  
شاه جستجو کرد .

اکنون دوازده سال از تاریخ ۱۶ آذر ۳۲ میگذرد . مخاطره شهیدان  
این روز و سایر شهیدای راه آزادی و استقلال ایران همیشه  
در وظلوب ما زنده است و آنرا گرامی میداریم .  
درد برون یک شهید ۱۶ آذر ۳۲ مصطفی بزرگ نیا  
احمدن قد چسی شریعت رضوی

و دهات پیوستن مرد و تحت سرآزان دولتی به جبهه آزادی  
بخش و در مجموع افزایش قدرت نظامی سیاسی و اجتماعی جبهه  
آزاد بیخس باعث شد که امپریالیسم آمریکا - که منافع خود را  
بدین وسیله در ویت نام و بطور کلی در آسیای جنوب شرقی در  
در خطر جدی میدید - لحظه بلخه جریته را هزارتو و مسلحتر  
شود . بهمان نسبت خلق ویتنام نیز پیوسته رکنش و روت  
کنگ قاطعتر و مجهزتر گردید .  
تعداد سرآزان آمریکائی در خاک ویتنام از ماه فروردین ۴۴  
که ۳۰۰۰۰ بود اکنون به ۱۶۵ هزار نفر رسیده است . جنگ  
هواپی و وسعت یافته از ویتنام جنوبی به سمت شمالی و حتی تا  
نزدیکی مرز چین توده های رسیده است . علاوه بر سوزاندن مراکز  
بیمارمان کردن دهات ، مرضخانه ها و مدارس و استعمال  
کازمی اکنون ساختمانها ، جاده ها ، پلها و مراکز صنعتی  
جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی نیز بیمارمان میشود .

در این میان بانام این تجهیزات خسارات امریکائیان و بخش  
افزونی آن بطور روزافزون قابل توجه است . طبق آمار موجود  
تنها از ۲۸ اکتبر تا ۲۵ مارس ۶۵ تعداد ۱۶۶ هواپیمای  
آمریکائی توسط نیروهای ویت نام شمالی سرنگون شده است و  
مجموع هواپیماهای سرنگون شده از آغاز حمله هوایی آمریکا به  
خاک ویتنام شمالی تا ۲۴ اکتبر ۶۵ . . . . . می باشد .  
تعداد تلفات آمریکائی ها که ۳۰ نفر در سال ۶۱ بود در سال  
۶۴ به ۷۰ برابر آن رسیده است حتی بگفته خود سخنگویان  
آمریکائی در هفته ی اول آذر ۶۴ آمریکائی در جنگهای ویت  
جنوبی کشته شده اند .

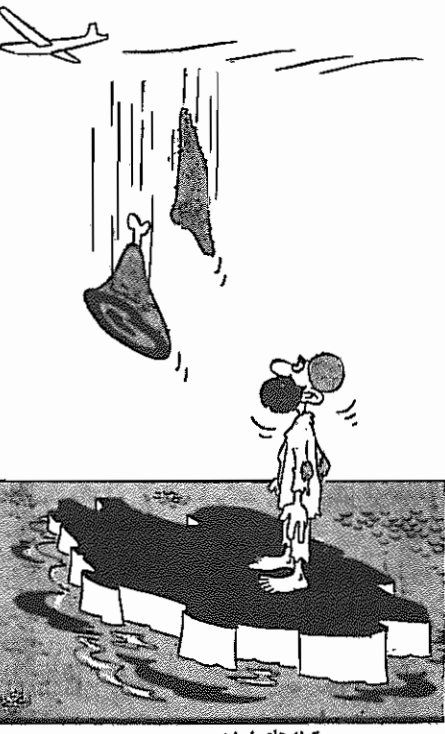
ویت کنگ در طول این زمان توانسته است موقعیت خود را تثبیت  
در ویتنام جنوبی بلکه بعنوان وزنه مؤثر سیاست کنونی جهان  
کند ، از ژانویه ۱۹۶۶ تا آخر فوریه ۶۵ بمقدار ۳۴۱ هزار خصم  
بدستوربت کنگ کشته یا زخمی شده اند که ۳۶۶ نفرشان آمریکائی  
میباشند . در ۲/۳ خاک آزاد شده ویتنام جنوبی بیش از ۱/۳  
انسان ویتنامی یعنی قریب ۳/۲ تمام جمعیت ویتنام جنوبی  
آزاد شده خارج از زور و ستم استعمار و استثمار زندگی میکنند  
در در سر بزرگ آمریکا نه جنگ ویتنام - که خود با میل وارد آن  
میشد ، بلکه جبهه آزاد بیخشم و مبارزه بی امان خلق ویتنام  
است که او را با تمام نیرویش در مانده کرده است . و امپریالیسم  
آمریکا تمام نیروی خود را مجهز کرده تا این مانع از سر راه  
خود بردارد . پراتیک نشان داده که در این راه نه تنها تاکن  
نام مانده است بلکه برای آمریکا بهم آن میورد که ملت ویتنام در  
این جنگ پیروز گشته دست استعمار ، این مانع بزرگ آزادی و  
استقلال ویتنام را از خاک خود قطع کند . و بخاطر همین ترس  
است که اکنون هر روز در کاخ سفید ساختها بیس سردمداران  
امپریالیسم قهار جهان درباره ویتنام مشورت میشود و بخاطر  
همین هراس است که نیروهای آمریکائی در خاک ویتنام رو به  
افزایش گذاشته است .

بدینسان بی از خطوط مشخص این جنگ آشکار میگردد :

شکست آمریکا در جنگ با توده های ملت ویتنام . دولت آمریکا  
در این جنگ نه تنها چیزی نصیب نشد بلکه زمان به زمان موقعیت  
خود را نیز در آنجا از دست داد . دولت آمریکا با تشکیک جنگی  
رنکارنگ خود و نیروی هرچه نامشروعتر و وسعت داد و در این  
میان ویتکنگ همچنان پیروزتر و با قدرت روزافزون به بیگار ادامه  
داد . پس از گذشت ده سال و با نشان دادن قدرت نظامی هر  
روزافزونتر خود آمریکا نه تنها قادر نشده بر مردم پیروز شود بلکه  
مواضع قبلی خود را هم یکی پیروز دیگری از دست داده است .  
اینها نشانهایست بر آنکه آمریکا در جنبه ویتنام عملاً شکست  
وروی شده است و این آموزش بزرگی را تأکید میکند که نیروی لایزال  
خلق بر هر نیروی دیگری در تاریخ فاشی است .  
واما این جنگ - بر وجود و بیگار - نیروی پوسیده استعمار  
با نیروی سرشار و سازنده خلق - تنها بحیثی مشغول نیست و

بخود ختم نمیشود . از آنجائی که این برخورد شدید است و  
جبهه خاصی نیز دارد و از آنجا که یک رشته مسائل اجتماعی ،  
اقتصادی و سیاسی جوامع کنونی بشری را بهم نزد یکدیگر مربوط  
میکند و مسائل و مشکلاتی مشترک یا نظیر هم بوجود میآورند چنگ  
ویتنام جبهه دیگری بخود میگیرد که قابل دقت است . این  
بیگار مسائل بزرگ امروزی بشری را به پیش کشید و آنها را به میدان  
تجربه و آزمایش فرستاد . این بیگار در آندیشه ها نفوذ کرد و آنها  
را صیقل داد . و این بیگار توده های عظیم ملت ها را بجنبش  
و در تکاپو و تلاششان انداخت .

در سال اخیر تعداد تظاهراتی که در کشورهای غربی بر ضد  
سیاست آمریکا در ویتنام بوقوع پیوست افزون گشت و کیفیت تازه  
تری بخود گرفت . در آمریکا پس از تظاهرات عظیم دانشجویان  
بر ضد سیاست آمریکا و پس از آنکه یک آمریکائی خود را مقابل  
ساختمان پناگوان آمریکا و در برابر مأموران آن آن سوزاند . در  
تاریخ ۲۶ نوامبر تظاهرات عظیمی با شرکت بیش از ۴۰ هزار  
بچه در صفحه ۴



کلمه های اولیه

..... جبهه از صفحه ۱

خوشی را حفاظت کند و بهمین دلیل خلق نیز بخاطر آنکه با  
دستگاه حکومت در جنگ است ، مجبور است که از موجودیت خود  
و منافع خویش دفاع کرده بمقابله درگیر بر خیزد .  
اینگونه اعمال سرکوب کننده و قهر آمیز دستگاه که واکنش زنده  
بودن جنبش توده های مردم و مقاومت آنهاست خود عاملیست  
برای فشردگی و به پیوستن مردم بخاطر ستمی تازه تر و بیگاری  
کهنه تر خلقی که ضربه زده و ضرت خورده و دواره ضربه خود  
را میزند اما هربار در جریان این پروسه آبدیده تر خسته تر ،  
آماده تر و انقلابی تر شده بنحوی تکامل یافته تر و منطبق با  
محتویات عینی جامعه بمقابله بر میخیزد و بر پیگرد دشمن میکند  
تا سرانجام ضربه نهائی خود را بشکل انقلاب بر این دستگاه  
چپا ولگرد حاکم وارد آورد .



## واژه‌های از ایسران

اجتماع شاعر و نویسنده را میسازد و او آنرا ترسیم میکند. سخنان او بازتابیست از چگونگی ها و رویدادهای جامعه‌ای که او در آن زندگی میکند. و قطعه زیر که در روزنامه‌های ایران بجای رسیده بازگوئیست از "چهره‌های ساده غمناک"، "سایه‌های درهم بیمار"، "حלות سفره‌های خالی" و "سذوت لبهای هسته‌گان" اجتماع ایران کاشاعر آنها را در شهر خود دیده است.

و این غمناکان ساکت و بیچاره و گرسنه چنان در اجتماع ما فراوانند که موضوع شاعران زمان ما شده‌اند تا بدانجا که در روزنامه‌های ایران نیز روزی پیدا میکنند و این نشان وجود يك واقعیت عینی قوی و موثر جامعه ما یعنی فقر و نارضایتی توده‌های عظیم مرد میباشند.

از آنجا که هرگونه مقاومت و مبارزه ای با دستگاه حکومت و استعماریدون در نظر گرفتن گرایشهای مسلکی آن مورد پشتیبانی ما است اعلامیه زیر را انتشار میدهم تا مبارزان راه استقلال و دموکراسی ایران برضد هرگونه آزادی کسی ستم و جنایت حکومت شاه همصد اکردند. بدین مناسبت مانیز اعتراض خود را در این مورد اعلام میداریم.

### پاینده ایران

#### هفتم میهن

خیری ندارد و مداخلات وی نیز چنانی نمیکس نمی‌شود و بگوش کسی نمی‌رسد همینقدر همه میدانند که بر طبق معمول میزان محکومیت او را قیلابادگاه نظامی ابلاغ کرده‌اند و دفاع او و نظر دادرسان دادگاه هیچیک تا تیری در نحوه انجام محاکمه نخواهد داشت.

حزب ملت ایران محاکمه داریوش فروهر در بین مبارزان و دلیران خود را در یک دادگاه سری نظامی و غیر قانونی اعلامی کند و از همه احزاب و جمعیتها و افراد آزاد بخواد و میهن پرست مملکت می خواهد فریاد اعتراض خود را علیه اینگونه قانون شکنی‌ها و آزادی کشی‌ها که مخالف سن صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر می باشد بگوش جهانیان برساند.

حزب ملت ایران علیرغم همه توطئه های ضد ملی دستگاه هیئت حاکمه مبارزه خود را همگام با جبهه ملی و همه آزاد مردان ایران زمین تا سرحد پیروزی ادامه میدهد.

### درونده داریوش

### فروهر رهبر زندانی

### حزب ملت ایران

دبیرخانه حزب ملت ایران

۱۳ مهر ۴۴

بیش از یکسال می‌گذرد که دستگاه حکومت استبدادی و رهبر دلیر و مبارز حزب ملت ایران **داریوش فروهر** را بزرگان افکنده است. فروهر و دیگر آزاد بخوانان و میهن پرستان این سرزوبوم در دوازده ساله اخیر بارها در بند و زنجیر استعمار گرفتار بوده‌اند، این آزاد مردان از خود گذشته گناهی جز این نداشته و ندارند که تسلیم سیاستهای استعماری بیگانه نمیشوند

و از این رو حکومت ترور و وحشت ایران باید زندانها و سیاه چالهای خود را از فروهر و یاراناش بسازد تا بتواند به آسانی دست به انقراض قراردادها و موافقتنامه‌های مملکت ببرد و زند و منابع ثروت کشور را به سر راه حیثیت ملی بتاراج دهد.

حکومت مستبد و ضد ملی برای اینکه همه روزنه‌های امید و آزادی را بروی ملت ایران ببندد هر چند یکبار بساط يك محاکمه مستعربه رامی گسترده با ایجاد ترس و وحشت دیگر رهروان را از ادامه راه نهضت ملی بازدارد.

این بار داریوش فروهر پسر ای میز محاکمه کشیده می‌شود تا دادگاه در بسته نظامی محاکمه گردد، فروهر مبارز دلیری که از آغاز مبارزاتش با نهضت ملی همگام بوده و با سرسختی در راه و بشر و سادگان آرمانهای

بزرگ و کتر **مصدق** پیشوای

هالیتقدر ملت ایران کوشیده است.

ملت ایران از چگونگی اتهام فروهر

### شهر و واژه

شهر پر از واژه‌های تازه بتازه است  
- واژه این کوچه‌های خالی متروک  
- واژه این چهره‌های ساده غمناک  
- واژه این سایه‌های درهم بیمار

شهر پر از واژه‌های تازه بتازه است  
- پنجره‌هاییکه جاودانه خموش است  
- کرکره‌هاییکه جاودانه سیاه است  
- گوشه آن خانه‌های ساکت و خاموش  
- خلوت آن سفره‌های خالی و خالی.

می‌نگرم در نگاه ساده هر طفل  
تا بخ ترین قصه‌هاست، خواهش نان است!

پر سروش هزار عابر بیکار  
آه که این زندگی نه - بارگران است

مردمك دیده‌ها همیشه ملول است  
بر لب این خسته‌ها همیشه سکوت است  
وای که می‌سوزد مساجد این درد  
با چه کسی میتوان، درد دلی کرد

شهر پر از واژه‌های تازه بتازه است  
هر شب در این خموش خفته بیمار  
پرس هر کوچه با پاهای نهستی  
دردل هن آرزوی عربده‌ای هست.

تهران - زمستان ۴۳

سیروس مشفق

چریک‌های ویتنام - ... بقیه از صفحه ۳

نفر در واشنگتن برابر کاخ سپید انجام شد. در همان روز نظیر چنین تظاهراتی در اغلب شهرهای بزرگ کشورهای غربی برگزار گشت.

بدینسان دیده میشود که بچه نحو این جنگ تعداد لهارا بهم زده است و چگونه در دل جوامع غربی نیز تحرك بوجود آورده. خبرگزاری رویتر در تاریخ ۲۶ اکتبر چنین گزارش میدهد: "روزنامه نیوزویک ورلد تلگرام نوشت يك سازمان دست چپی در آمریکا برای ویتکنگها خون و وسایل کمکهای اولیه ارسال میدارد. يك - برنگار که مدعی است مدت يك هفته با این گروه همکاری داشت میگوید گروه نام " نهضت دوم مه" را بر خود گذاشته و برای رهبری سیاسی چشم بسوی چین دوخته و حزب کمونیست آمریکا را " روشنفکران پر حرف و وراج" میدانند. مخبرنگار مزبور می گوید این گروه در تظاهرات برضد دخالت آمریکا در ویتنام نقطن مؤثری داشته و در میشیگان با وطلب برای همکاری با چریک های ویت دک ترک تربیت میکند. نام " نهضت دوم مه" بمناسبت اولین

تظاهرات بر ضد سیاست آمریکا در ویتنام نهاده شده که در دوم مه ۱۹۶۴ صورت گرفت."

اینجاست چهره‌های گوناگون این جنگ و انعکاسات مختلف آن در جهان. و اما این بیکار هنوز ادامه دارد و امپریالیسم آمریکا کستخانه و بدون مانع بجنایات خود مشغول است. اما از هم اکنون بلکه از مدت‌ها پیش مهر پیروزی این خلق ستم کش و مبارز بر صفحه تاریخ این جنگ پر افتخار - که بر تاریخ جنگهای عادلانه صفحه‌های درخشان میافزاید - نمایانست.

# فرد و جمع



هیجان و شور انقلابی گروههای انبوه و مظلوم، زاده تلاش و تحرك آگاهانهی افراد این گروههاست. بار جنبش بر کرد افراد مبارز است، جنبش را اینان نیرومند میسازند و بیشتر میبینند. جمع را اینان میسازند و بر وبال میدهند. ولی جمع آنها را چون بطونى همگن سخت در بر میگیرد و شکل میبخشد جمعی که قدرت انقلابی و کوبندى آن از برکت تربیت صحیح تشکیلاتی بمراتب بیشتر نواند ند بود از حاصل جمع جبری نیروها و توانائیهای افراد پشیمانی و بصورت منفرد و متفرق

مجموعی در همی از افراد نیست که خصلت عالی انقلابی را بجمع میبخشد، بلکه اینجا ترتیب و ترکیب، نظم و تشکیلات حساب شده و متکی بر امکانات واقعیت که پیروزی را در حرکت از قوه به فعل، از ذهن به عین و یا از فکر به عمل نامی میکند.

در این زمان که عمدتترین نفع نهضت توده های و ترقیخواهان مردم در فقدان جمع است و تلاشهای فراوان ولی بی نشوونما مثنای سبی در ایجاد تشکیلات قادر برای مبارزه با ارتجاع داخلی و امپریالیسم آمریکا در حریبان است، شایسته است که مبارزان راه نیک بختی و مردمی در حین مبارزه ی کوفتی خویش در هر کجا و بهر شکل که هست و در عین اینکه ضرورت ایجاد تشکیلات توانا توجیه دارند، درباره مسئله " فرد و جمع " و قوانین حاکم و مسلم بر این مقوله تعمق و تفکر فراوان بکار دارند. بد و حصیصه زیرتوجه ۳:

۱- بدیهی است که هر چه افراد يك جمع بر کار خویش بهتر مسلط باشند و آنها در بیشتر بانجام رسانند برآیند کار و اقدام جمع نیز موثر تر و پیروزمند انتر خواهد شد.

۲- بدیهی نیست ولی صادق است که با وجود معایب عدم تجربه و نفع های فراوان افراد، کار جمع میتواند کیفیت مثبت و موثری داشته باشد منتجبی بشرط آنکه ترتیب و تشکیلات تشکیلاتی صحیحی بر افراد جمع حاکم باشد.

۳- قانون اول بدیهی است و از روزیهای میدان عمل و کارزار زندگی سخن میگوید. البته اینان قادر خواهند بود معایب تشکیلاتی و اشتباهات محتمل را زود بر طرف سازند و دستگاهی با کمال عرضه کنند. آری شک نیست که هزاران کل خویش و زینا بوستانی بر

میآریند. ولی در مورد مبین ما سخن اینجاست که اکنون بوستانی در کار نیست و بوته های کلهای نشکفته در انبوه حسن و خاشاک نهفته اند. بدستجوی چنین بوستان آماده برداختن کار انسانهای بیدار و مبارز نیست. دستور دستور ساختن این مظلوم و هدف رسیدن به مرحله کمال است. اینجاست که قانون دوم را باید بیشتر و بیشتر مورد توجه قرار داد و فهمید و اینجاست که باید دانست کار با کمال جمع مستلزم عدم نفع افراد جمع نیست.

باید بی برد که افراد جمع میتوانند در جریان انجام کار و بکلیک ترتیب متناسب و صحیح تشکیلاتی معایب یکدیگر را بر طرف سازند و لاری با کمال خلق کنند.

در یک گروه و یا در یک جنبش چون در هر دستگاه واقعی و عینی - عین کیفیت و کمیت وحدت وجود دارد. اینجا افراد کمیت و جمع کیفیت دستگاه را مشخص میکنند. همانطور که کمیت ناب چون کیفیت خالص عطف ساخته ذهن بشر است و نه این و نه آن شکل مجرد موجودیت واقعی ندارند، لذا فرد و جمع همیشه توأم اند. ولی بیچاره کیفیت عالی و کمیت فراوان باریک با کیفیت ناقص و کمیت فراوان و در حالتی و در زمان معینی با کیفیت عالی و کمیت قلیل و غیره ....

همانطور که کمیت و کیفیت همیشه و در همه جا در مرتبى اهمیت مساوی قرار دارند و اینجا یا آنجا، امروز یا فردا مثلا در مورد رسیدگی به ... ای به تعدد و میزان بیشتر باید توجه داشت تا به کیفیت بنابر این لازمست معلوم شود که توسعه مبارزان ضد استعمار در مرحله سازندگی و تجهیز انقلابی بکدام سو باید معطوف کرد.

از آنچه گذشت بر میآید که کیفیت عالی انقلابی و یا عبارت دیگر جمع قادر و توانا را نباید درخواست کرد بلکه باید ساخت. بنابراین باید بسوی افراد متوجه شد و کار خلق کیفیت های عالی انقلابی را بعهدهی توده ها گذارد. تعداد که به حدی و کمیت که به اشباعی رسید، کیفیت های نوینی زاده میشوند.

باید جمع را از افراد و نه برای افراد ساخت. باید دانست نفوذ افکار حق و شرقی را در توده ها بکشد تبلیغ هر چه بیشتر و بهتر این افکار توسعه بخشید و انسانهای هر چه بیشتری را در بر گرفت و به کارزار زندگی مبارزاتی کشاند. این کارزار است که به هر راهی و موجودیت تکامل میبخشد و پیوسته معتبرترین محک را بدست میدهد.

## شکایت چرا؟

طبق نوشته تهران اکونومیست در تهران اداره ای وجود دارد که بشکایات مردم از دستگاه های دولتی رسیدگی میکند. این مجله مینویسد: "وقتی وارد راهرو اداره رسیدگی به شکایات میشوید چند جمله زیر با خط درشت روی دیوار نوشته شده است ۱- سایر مراجع را راهنمایی میکنیم. ۲- بنام نامه های با اعضا جواب میدهم. ۳- بجه شکایتهای بی اعضا و نشانی ترتیب اثر نمیدهم. ۴- بدون مدرک و دلیل شکایت تکدیگری جای شایگى مفتی شناخته میشود و تعقیب خواهید شد. ۵- پیشنهادهای ما را میپذیریم."

مجله مینویسد: "تنها در آبانماه گذشته ۱۳۳۸ شکایت بآنها رسید که در مملکتی که حکومت ستم دست و زبان مردم را بسته است، در مملکتی که سایه هول انگیز و تخیمان سازمان امنیت در هر سرائی و هر محفلی زبان شکایت را در حلقهها فرو خوابانده در مملکتی که اداره "رسیدگی بشکایات از دولت" از مردم شایگى نام و نشانی آنها را می خواهد تا اصولاً بشکایات آنها

عنوان مکاتبات:  
X GIOVANNA GRONDA  
VIA SAN SISTO 6  
MILANO / I T A L Y  
حساب بانکی:  
GIOVANNA GRONDA  
CREDITO ITALIANO  
CONTO-NR. 12470/11  
MILANO / I T A L Y

### دوستان!

آدرس "توفان" تعمیر کرده است. توجه شما یاران و رفقای عزیز را به نشانی و همچنین شماره حساب بانکی جدید توفان جلب میکنیم و امیدواریم از این راه ارسال وجوه فروش "توفان" و نشریات آن و کمک های مبارزان نهضت به "توفان" تسهیلی ایجاد شده باشد. از آن دوستانی که درباره ای امکان ارسال پول در جوب نامه سؤال کرده اند، متنی است مبالغ خود را فقط به شماره حساب بانکی فوق ارسال فرمایند. بدیال نشریاتی شماری يك توفان دست به انتشار مجدد کتاب آموزنده داد تحت عنوان "اصول مقدماتی فلسفه" زده ام که بزودی بدست یاران تلاشار خواهد رسید. مامعتقد بوده و هستم که هرگونه آموزش و پرورش صحیح ضرورت عین قدمی است در راه ایجاد وحدت فکری مبارزان و پایه ای است برای وحدت عمل مبارزات آینده. "توفان" یارو یاور هرگونه تلاش و کوششی است که در راه محور سلطی استعمار و استعمار و بحاضر آزادی و عدالت و برای پیشبرد نهضت ملی و مرفقی مردم ایران بکار آند. توفان شکی بشما و پشتیبان و بازگویی حواس های ملی و محق شماست.

بهای "توفان" در ایران دوریال و در سراسر جهان ۱۰ ریال است.

استثماری و اسیماری خود متافع خلق را قربانی میکند و بدین سان توده های محروم که حقتشان پایمال ستم حکومت شاه - این لانه استعمار و ارتجاع - گشته بهر دری میزنند تا شاید حق خویش باز ستانند. تجربه جوامع تحت سلطه استعمار و استعمار نشان داده که همیشه اینگونه حق کشیها، زورگویی ها ستمگری و سرکوبی عکس العملی بس انقلابی داشته است. چه در درون جامعه نیروئی متحرك و قوی وجود دارد بنام خلق که در مقابل این دستگاه زور و ستم قرار گرفته و ناچار تمام این نیروهای ستمگرانه و فشارهای چپاولگرانهی دستگاه بر او وارد میکرد. در درون وی آثار این نیروها، این سرکوبیها و ستمها و تبعیضاتی دیگر شور انقلابی او افزونی میبرد تا زمانی که تفسیر کیفی داده بصورت نیروی عظیم انقلابی دستگاه زور و ستم را خرد کند. جامعه ما نیز از این اموستش نیست و روزی خواهد رسید که کمیتهای درون جامعه ما نیز کیفیهای تازه بسازند. در آن روز این ۱۳۳۸ نفر نیز دیگر شکایت ظلم بر ظالم نمی - برند چه آنها خود جزئی از آن کمیت جدید هستند.

ترتیب اثر داده شود و هم آن اداره مردم ستمکشیده، بلازده و سازمان امنیت زده را تهدید میکند که هرگاه شکایتهایشان بدون مدرک و دلیل باشد - و البته میدانیم که عملاً بزرگ چپاولگران و ستمگران وابسته و بانفوذ هرگز با مددگی از خود باقی نمیگذارند و یا برای آنها آسانست که مدرک را از بین ببرند یا مددگی درست ضد آن بسازند - در چنین مملکتی ما چنین حکومت وحشت و تروری و چنان اداژ تهدید کنی بازمه در یکماه ۱۳۳۸ نفر از ادارات دولتی شکایت کرده اند. این زبان گویائی است از ناپسامانی، فساد و اصولاً خصلت ضد خلقی دستگاههای دولتی و بر راس آن شخص شاه که هرگز نجواسته اند و قادر نخواهند بود که مشکلات و مسائل عدیده اجتماع ما را حل کنند. آری حکومت شاه ضد خلق است از آنجا که شکایت ۱۳۳۸ نفر مردم تهلن از دستگاههای دولتی، حکومت و در نتیجه شرایط حقتان و واهمه از سازمان امنیت نشان دهند مآست که دستگاههای دولتی، حکومت و در نتیجه سیستم اجتماعی حاکم بر جامعه ما با مردم پیوندی ندا شده در نتیجه نافعش دائم در تضاد شدیدی با منافع خلق بوده، بخاطر منافع

کرامی باد  
۱۶ آذر  
روزیگارمقدس  
دانشجویان دانشگاه  
علیه ارتجاع داخلی  
وخارجی!

# رودزیا

لکه ننگ نوبنی بر دامن استعمار

## آن‌ها سه تن بدند

اینجا بزیر خاک  
آرام وبی صدا  
ازگارمانده است سه قلب پراز امید  
خفته‌است دیدگان سه سیمای نورسید  
اینجا در این مزار  
د زبیر خاک سرد  
ناگفته‌های نمان مرد هروی لب  
آهنگ عشق و زمزمه گنگ نیمه شب  
مانده است نامتوم .  
اینجا در این سکوت  
د برنگهای زرد  
که دامن هعی کشند  
چون روح کشنده بسرایشیب گورها  
همراه بانگ شیون خاموش باد سرد  
میافشند طنین .

لای مادر می که گمان میکند هنوز  
رفته‌است نوجوان عزیزت بخواب خوش .  
اینجا بحواب ناز فرورفته "مصطفی"  
اینجا هم‌بیتیده دل گرم قندچی  
اینجا "شریعت رضوی" بسته دیدگان  
اینجا بزیر خاک نمان قلب ملت است  
اینجا در این مغان سمل خون شکفته است  
فرزند خلق در این کورخفته‌است  
و آن خلق بی شکست  
باخون سرخ خویش  
اینجا در این مزار نوشته است یادگار  
اینجا بزیر سایه سرتیزه های سرد  
نورس جوانه ها  
کز بوستان خلق  
بادست در نمان بپسخته‌است ساقشان  
خون‌ریخته‌اند همه در کنار هم .  
انها سه تن بدند  
سه شاخ ازمه بوستان  
اینجا سه تن سه رنج سه امید کشنده  
آراچفته اند .

اینجا میان پنجه دریای بریزنج  
د زبیر ابر تار  
اند رغبر و رع  
همراه باد و برق  
روزی دمی سه قطره شفاق و تابناک  
آرام در دل صدی زندگی چکید  
تا آرزو ببار  
روز دگر سه کوه‌بر بار افتار  
انها سه تن بدند و چو بسیار دیکران  
هستند یا به پهنه دنیای بیکران .  
اما زمان مرگ  
انها سه تن بدند که مردند قهرمان  
انها سه تن بدند که ماندند جاودان

خبر تشکیل حکومت مستقل سیید پوستان در رودزیا بدون تردید یکی از تنگترین و تلخترین اخبار روزهای اخیر است . رودزیا یکی از پیرکت‌ترین کشورهای قاره آفریقا می‌باشد و از اینجاستکه می‌توان واقف شد چرا استعمار نوین می‌خواهد منافعش را در آنجا چنگال و دندان نگاه دارد . این بار رودزیا علی‌الظاهر استقلال می‌یابد و دارای قوای مستقل مقننه مجریه و قضائیه می‌شود ولی این قوای سه‌گانه چگونه بوجود می‌آید و در چه راه بکار می‌آید ؟ چهار ملیون سیاهپوست ابتدا حق ندارند رای خود را بصندقت می‌بندازند . فقط بیچند نفر از روسای عشایر که درست بزمزوران و عوامل امیال حکومت ضد ملی مبدل شده‌اند حقوق اجتماعی ناچیز و محدودی تفویض کرده‌اند . است که آنهم مطابق قانون قابل استرداد خواهد بود . سفیدپوستان در رودزیا کشتزار ۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و اینحال در پارلمان آن کشور بیش از ۸۰ درصد کرسی نمایندگان را اشغال کرده‌اند و از ۹۵ درصد بقیه که سیاهپوست هستند تنها ۴ نفر از سران خودفروشی قابل‌اطرافیان همانندشان در پارلمان این کشور شرکت دارند که معمولاً خود را در مقابل ملت مخالف استعمار نشان می‌دهند و در واقع بهتر از خود نمایندگان سفیدپوست حد شگد استعمار انگلستان هستند . مابینتزیب پالمان رودزیا تنها توسط آرا سفید پوستان ک . انحصار تمام تشون اقتصادی رودزیا را در دست دارند و بوجود می‌آید و سرانجام رای آنهاست که صاحبمنصبان و نخستوزیر را تعیین می‌کند و بکسی قدرت می‌بخشد . بنابراین این در واقع به دست دو دست هزار سفیدپوست سلاخی سیرده شده که چهار ملیون آفریقائی را در زنجیر اسارت نگاه دارد . این سفیدپوستان اروپائی نه‌اربابی و آقائی راحق آسمانی و مسلم‌خود میدانند ، مدعیند که تنها این‌آقایا لاسربون و اربابی آنهاست کبیه سیاهپوستان امکان می‌دهد . قوتلای موی بی دست آوردند و از کرسکی نمیرند و چنانکه اروپائیان بیرونده آنوقت است که قطنی و جنگ ویلا در انگلیرا فریقائی را خواهد شد . گویا سرانجام همی بشر دوستی و دلسوزی سیید پوستان نسبتبه آفریقائیان است که آنها را وارد می‌کنند که در آنجا می‌مانند و با زور و قلدری سیاهان را هرچه بیشتر تعارت کنند . خبرنگارانی که اخیراً از رودزیا دیدن کرده‌اند و به‌اربابی زندگی انسان‌ها در رودزیا برداخته‌اند ، باوجود یکه خود وابسته به مطبوعات استعماری عرب هستند نمیتوانند این نقشه را نشان کنند که در رودزیا بین زندگی سییدان و سیاهان چگونه تفاوت فاحش بوجود آمده است . این استعمارگران می‌گویند که گویا در شرایط قانونی رودزیا برای سیاهان این امکان وجود دارد که آنها بتمام معامات و مشاغل عالی برسند حتی اگر به آنها رای داده نشود حتی ارتقاء به مقام نخست‌وزیری هم‌رایشان ممکن هست ولی وقتی تمام سیاهان از حقوق انسانی خود محرومند و نمیتوانند در انتخابات شرکت کنند ، چگونه ممکن است که یک سیاهپوست با رای این اروپائیان نخست‌وزیر شود . مگر نه اینست که در ارتبعضیات تزاری در میان چهار ملیون سیاهپوست فقط سه نفرشان توانسته‌اند حقوق‌اند ، درازده نفر بزرگ شوند و بی‌همرفتنها کون . ۲۵۰ نفر توانسته‌اند تحصیلات خود را به حد دانشگاه برسانند و اکنون اغلب آنها فقط بشعل آموزگاری مشغولند . حدود دو دست هزار نفر سییدپوست از بهترین شرایط زندگی که حتی نظیرش در اروپا کشته‌یده میشود برخوردارند ولی برای چهار ملیون سیاهپوست فقط باصند دستگاه تلف و حدود دارد که دارند فان آنها مجموعاً روسای عشایر هستند که حدوداً حکومت محلی فروخته اند و میدانند باآزاد شدن سیاهان زندگی مرفه خودشان در خطر خواهد افتاد . استعمار در رودزیا آنجا ریشه درانده است که اصولاً و تمعداً سیاهان را از هر مقام موثر برکنار می‌دارند . تمام اراضی حاصلخیز که جمعا متجاوزاً یک سوم مساحت این کشور را تشکیل می‌دهد با ضمانت قانون در اختیار سفیدپوستان است . این ضمانت قانونی حتی بنای مسکن سیاهان را در نزدیکی محله های اروپائیان ایداً ممنوع می‌سازد تا مبادا کودکان اروپائی از دیدن سیاهپوستان دچار وحشت گردند . باوجود این چگونه حکومت ادعا می‌کند که سیاهپوستان قانوناً نمیتوانند به تمام مقامات ارتقاء یابند ؟ واقعیت چنین است استعمارگران می‌ترسند و این ترس خود را هم با ایداً گمان نمی‌کنند . آنها با حفظ شرایط فعلی میخواهند در ارباب یک شکوی دیگر جلوگیری کنند ، چون صحیح است که آنها توانستند تا شون جنبشهای رهائی بختر کنگورا و موقاسروپ کنند ولی این سرکوبی برای استعمار و امپریالیسم بهای هنگفتی تمام شده و البته آنها میدانند که سرکوبی جنبشهای شکویک امان کوتاه رسد . زود که راست بزودی غارت مردم شکو توسط استعمار نوین خاتمه خواهد یافت . این است که می‌کشند در رودزیا راه مدرن تری بیابند . ولی بدیهی است چرخ تاریخ را نمیتوان از حرکت باز داشت این گوشنهای مدرن عیب خواهد بود . در اینجا نقش استعمار انگلستان را نباید نادیده گرفت . نخست وزیر انگلستان که خود را نماینده لارگران و سوسیالیست‌ها معرفی میکند از این اقدام حکومت یان اسعیت تنها از آن نصر برآشته می‌کند . که این اقدامات و مناطق انگلستان را محدود می‌سازد و از آن بدتر آفریقائیان را پیش‌ازین خشمگین می‌سازد و استقلال فطمی رودزیا را جلوگیری می‌کند . این استدلال تهدیدهای توخالی مبنی بر فشار و محاصره اقتصادی رودزیا ، ولی هنگامیکه افکار عمومی زحمتکشان انگلستان و مردم سراسر دنیا باو می‌گویند که مبدلاً حله نظامی مستقیم بپردازد ، از این کار شانه خالی می‌شود و بگوید که مداخله نظامی شان انگلستان نیست و صلح جهانی را به خطر می‌اندازد . چگونه است که وقتی بحث بر سر مداخله نظامی می‌شود ، در آنجا مداخله نظامی که سهل است کشتار و جوی خون سرازیر کردن هم مجاز است ولی آنجا که یک مداخله نظامی میتواند منافع عد های چپا و لکرادر رودزیا را بخطر اندازد ، دیکریاستی دست روی دست گذاشت و برای خطر صلح جهانی اشک تلماس ریخت . اما واقعیت این نیست که آقای ویلسون ادعا می‌کند ، موضوع بر سر صلح جهانی نیست . اگر ارتش عظیم انگلستان کوچکترین فشار جدی به حکومت رودزیا وارد سازد ، درام این حکومت یک ساعت دیگر هم مقدار نیست و نه تنها صلح جهانی بخطر نمی‌آید بلکه از ماع هیچ بشری هم فطرهای خون نخواهد ریخت . واقعیت در اینست که ماهیت اعلام استقلال یکجانبه حکومت اسعیت بهیچ وجه ضد استعمار ، انسانی و مترقی نیست که عمل در خلاف جریان میل انگلستان و امپریالیسم جهانی و در جهت قابل ماهیت حکومت انگلستان می‌توانست باشد . نیست ، این اعلام استقلال در حقیقت در چندین مسیر اصلی نه تنها منافع حکومت انگلستان را تقویت نمی‌کند بلکه در جهت حفظ و استحکام آنست ، تنها موضوع مورد تناقض از یکطرف طرق حفظ این منافع می‌باشد و از طرف دیگر تضاد بین منافع گروهی سرمایه‌داری و منافع حکومتی در دون امپریالیسم انگلستان بوجود آمده که برای رفع آنهم انگلستان لزومی به حمله نظامی نمی‌بیند . در این مورد انگلستان برای مقدس‌نشان دادن و تطمیر خود چهره های مختلفی ب مردم جهان نشان میدهد . ویلسون سران کشورهای دیگر پیشنهاد می‌کند که رودزیا را بر سمیت نشانند ولی خود حکومت او که مبین خواستهای انحصارها و ودوستان یان اسعیت و دشمنان آفریقائیهاست با روش منفی خود علناً رودزیا را بر سمیت شناخته‌است . همه میدانند که فشار مختصر و توخالی اقتصادی انگلستان نخواهد بود که حکومت چپا و لکرانرا در رودزیا بر خواهد انداخته بلکه مبارزه بشکل ملت رودزیاست که این غارتگرانرا از سرزمین خود خواهد راند . این مبارزات هم اکنون در رودزیا آغاز شده است و در واقع اقدام کتونی حکومت رودزیا بملت فهانده‌است که راه نجات آنها بگام سوست . طبیعی است با شرایط انتظابی مناسب که در آفریقا موجود است این مبارزات خیلی زود بشمره خواهند رسید و این بار هم استعمارگرانرا بحق نشینی وادار خواهد کرد .

## توده‌های آگاه و بیدار جهان

با وحدت در فکر و عمل استعمار و بهره‌کشی را بگورستان تاریخ هیفر ستند